

مخاتمه داده‌ی شیخ عوسقانی در راجه‌دین

دانشداری

د. محمدعلی موکری

۱۳۳۱ شم / ۱۹۵۲

خانواده شیخ عثمان سراج الدین

insititut kurde de paris

# کاشانی

خیابان منوچهری شماره ۱۹

insititut Kord de Paris

insititut kurde de paris

۲۵ / خرداد ماه ۱۳۳۱

خانواده شیخ عثمان سراج الدین

این خانواده بهر آنچه نسبه نسبی که در ذواتها در علم اجداد میباشد از فزونی آریست و نسبت و کثرت و لذت و سعادت  
عینی میباشد و لذت اخف و سید نفیس میباشد که در تاریخ سعادت و شیخ  
میباشد لذت اخف و سید نفیس میباشد که فزونی او در علم با دراست غیر و اکثریت است و اعظم آنها  
در کثرت نام و طریقه شکر است مکن میباشد

سید محمد سعادت بهر درویش کز در است غیر از نام مهاجرت کردن و پیاده کردن آنها  
در ایران لایق میباشد که است حکمت بوده که از حاکم ایران بود است قرینه ~~توسعه~~ توسعه  
را بنام قبول بود و گذار نور است و به اصطلاح کورس یعنی در این قبولی *توسعه*  
باید و در در است و در نام توسعه هم از همین کلمه مشتق باشد در آن زمان سعادت را  
به میر به گفته اند بهرین جهت اولاد سید محمد درویش در آن محل بنام کلمه میر افزوده  
شده است و در آن بعد تاریخ ۱۴۰۰ سال قبل نام سعادت به *توسعه* یعنی *توسعه*  
تبدیل شده است و پس از نوزادان این بنام *توسعه* و قدیم به میر نیز  
نسبه میباشد و اولاد این فزونی را *میران* توسعه گفته اند و اکنون هم همین  
نام نیز میگویند (از گفتار آن گفته اند که میران سعادت بهر نام *توسعه* و آن به  
آن نام خوانده میشود)

خالد آقا از نوزادان سید محمد درویش که بینه ~~حاصل~~ است به درویش *توسعه* و *توسعه*  
طریقت را از آن خواهد خواند میباشد *توسعه* و *توسعه* سید محمد غیبی است که *توسعه* سید محمد غیبی  
توسعه است و در نوزادان *توسعه* سید محمد سعادت زنی خود نوزادان *توسعه*  
توسعه است *توسعه* سید محمد سعادت *توسعه* سراج الدین

حضرت  
شیخ صالح الدین

لا

حضرت شیخ صالح الدین در حدود سال ۱۱۹۲ هجری قمری در قرنیه تولد یافته و در سن بیست و نه سالگی

مشکله کفیه بنده در سن ۱۸ سالگی علم دینی را از عقول و نقل حاصل

دفعه دهم در سن دهم و بیست و نه سالگی در کلاس عراقی تلمیذان در کلاس استادان

مردان منظم و پیر ما <sup>تتمه</sup> (تتمه) را حاصل کلاسه خوانده از آن جمله میرزا انصاری کبیر

طریقت بنده از ترفیقه بنده در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی

تتمه مشکل بنده از آن در خواب بنده حضرت محبت الاظم رسید و در سن بیست و نه سالگی

که بر لایه خاله کردی پس با آنکه از آن راه بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی

هندوستان در خدمت بنده در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی

در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی

در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی

در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی

در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی

در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی

در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی

در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی

در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی

در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی

در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی

در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی در سن بیست و نه سالگی

فافقه اجمع علیہ را بنا کرد، دور آنجا قریب صد نفر از سکنین در حواریت فاشه، مشغول بود که در پیش  
 مؤخر پیوسته از طلبه علم و فلسفه بکسب علم ظاهر در مذمت ایشان بنی بران، خالد مشغول  
 میوند اخیراً حضرت سراج الدین را اجازه مسجیت دارت و بعد بعد در همان وقت  
 با وجود عجز حضرت بران، بارت و مردم مشغول میوند پیش حضرت بران است بعد از تشریح  
 پیرنه حضرت سراج الدین با اجازت بعد از تشریح پیرنه در آنجا مشغول است و  
 و تسلیم علم و فلسفه میوند مردان از اطراف و اقطاع عالم اسلام میوند و این کسب فلسفه  
 و علم و فیزیک است این کسب میوند

طایفه نقشبندیه : این طایفه طایفه نقشبندیه : آنچه در کتابت اسلام اورا امر سینه نظام  
 به یاد کسی که در این طایفه شد طایفه را به اولی نه گفت اسلام امر کرده بان عاقل نماید  
 و آنچه که در کتابت اسلام نهی شده در این طایفه که از آن از قلب خود براند و قلب را بجهت از  
 خیال و تقررات خاص به کار برارد. ذکر قلب : این طایفه طایفه در سیر طایفه  
 غمزه قلب، با کمال وقت به این مشغول رابطه با خیال مردن و گویا در دفع مردن  
 و گداز قلب الدین قرار داده تا بجنوع و گویا در کمال این نفس مغرور و پاید اورا  
 ضعیف نمود تا آماده به آداب و بر شود پس از آن طایفه با سر مشغول به  
 و شرح آن چنین است که سرش خود را با کمال یقین منظر نفس و انوار قدرت بر دل  
 مع براند و از روح شیت سرش تمسک کند که از آن انوار قلبی او وارد شود  
 و قلب او را از قوت معصیت به کار برارد پس تمسک کند از روح شیت  
 سرش که مشغول ذکر قلب بشود با مع معصیت کند که از اثرات در دین سیمان  
 مرفوق به شمس آنگاه زبان و دهن را بسته بدون حرکت و صفای قلب مشغول  
 به ذکر میوند و الله (بعد طایفه) پس از نفس بر آوردن بزبان میگوید خداوند  
 است روح ملک حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم است که میوند رضای تو اجماع کم



درجہ ۱ - ایل تعرت درجہ طرز صحت درجہ ۲ - تزکیہ نفس ہے ایچیم در کلام

عبدیہ کا نام ہے اس لئے کہ ان النفس الامارۃ بالسوء الامین ہے

۱- نفس امارہ < نفس (لوامیہ) ۳ (مصلہ) و ۴ نفس (مصلہ)

ایضاً اس کا اسم النفس المطمئنة الرجعی الی تائب رضیہ مرضیہ

۵ (نفس مطمئنه) ۶ (نفس راضیہ) ۸ (مرضیہ) ۸ (نفس کاملہ)

این درجہ ۱ نفس را ہر یک صفات بہ شرمی بخشہ و این صفات ہر یک درجہ ۲ دارند اول و ملاوحت و ہر یک از ہا حالتی را بہ لہان ہوا می کند نفس لومیہ خاصہ فاسقان است و کافران را لومیہ غیبیہ نامہ

در نہایت طی مرعدہ ابتدائی عجب و شگفتا و انانیت توجہ بریدنیو تا بہ قوہ ریاضت و عمدت سفول قلب

بہ ادب طریقہ و ذکر صفت و علی لا الہ الا اللہ و لا اللہ الا اللہ کہ عدد آن اقد در ہزار با حضور قلب یا صفتی

در طریقہ تشبیہ یا جلی در طریقہ قاریہ و لہ از خود بریدن از نفس امارہ صفت سجا و خوف در و نفس وسط

توجہ بریدند و لہ چون ہر درہ نفس لوامیہ است تا صفت خوف دارد نفس اوالوم کند ہر کا صفت رجا بود

غیب نمود و لہ درایت در واقعیت کند ہر عجب تقویہ از کار و رابطہ برسد ہستہ خوف بر ہدوی غلبہ کردہ

بہ عدو نفس ~~بہ گاہ~~ رسید گرت شوق و وجد ہا و سرید و ادراک محبت ابتدائی یعنی عشق

شرفیت عمدت و قناعت و صبر و شہ نوری اول ہستہ و علیہ وسلم و نیز تصفیہ نفس امارہ اور ہر وقت و کثرت

از ظرف و از طرف خردہ بینا در امور دین برابر یک اور در فقر فقوت زدنیکہ با زرد و ام در سوسہ بطریق

در لہ و ذکر و عمدت اور انجات دیدہ و قلب او ملہم شود الوقت <sup>ظاہرہ</sup> کند برسد و میدان ملہم کونہ است

و ایضا ذکر لہ اول و لا قوہ الا باللہ علی و صفتی زکوہ خدص شوق بہ بعضی ہر یک و نفس نامہ بہ قناعت ہر

بہ بعضی جزا را بہ او الہام دازد و در وقت ہم لہا ہستہ ہا و لومیو دانہم درہ کی کم است در قوہ توجہ کردہ



دداری این حالت در جنبه ارضیات محقر دم نیزه - در مطمئه میرسد  
 و در حالت مطمئه میرسد با کت و دهر و و سکت دارد و تقوا همیشه خارج معونه میرسد و میرسد اینست  
 با محاطه و محبت میدن و این درجه سی میخوام زیرا در بدو یک بگر قلب او ذاکر و غیرش به طایف  
 الاذکار میرسد و در با یک طایف (الذاکر) (نفس ارضیه) میرسد و درجه ارضیه فنا فی الله و فنا فی  
 السرعی و فنا فی الهی که سه مرتبه است - او میرسد و تقوا میرسد و ذکر نفسی و ثبات در راقبه  
 (ذات) به مرتبه نفس ارضیه تنهال میدارد (میرسد) ابتداء سجود و سجده  
 و در این به فنا فی الله تنهال و در این محقر است که میرسد با قوت میخوام که او را در این مرتبه خدای  
 کند و مقام اخلص و تقید او به ذات اولی او را عالم مستغنی میکند در این مرتبه به مرتبه  
 نفس کامل میرسد در این هم درجه است و در عالم توحید میکند تا به درجه کمال و عالم  
 کمال میرسد و به روح قهقریه او را به نیازمند بنام میرسد کامل یا طیب ارشاد یا قلب مدار  
 یا رحال یا اوتار یا ابدال یا طیف ملوک

insitutuide de paris

بیخ فقیه: کتب درجه نوبت. فاصله پنج سکنه از آن حضرت در کل مع  
 اهل تقوی داخل مغفرت و بود در آن است و طریقه الفیض و خلوص است و  
 سوره اولی از <sup>طریق</sup> حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه حضرت علی کم از وجه و زبان  
 فایز در آن بنام شهره: امام قاسم در طریقه حضرت امام شیخ مفید در آن سوره عالم  
 در آن سوره عالم است علی بن ابی طالب و طریقه تاش و فقیه است  
 طریقه قادریه و کلام در آن و حقیقتی از هر دو منبع تا شیخ لادوری و شیخ حسینی حضرت  
 غوث است علی بن ابی طالب است حضرت و فقیه در اطلاع حضرت  
 محبت در آن را ترسد و حضرت غوث پیشین می فرود گفته بوده که از آنست  
 این را را سینه خوش می نمود که کلمه خورشید در پیش طریقه و منبع فیض است  
 و از این از آن حضرت است و فقیه علی و آن شهره طریقه الفیض است  
 که در آن حضرت برای الصبح تطبیق آن حضرت را که خالد و این از آن  
 حضرت برای الصبح بوده است.

ذکر جن خاص قادری است ذکر حضرت داهیه خاص و نام فقیه است  
 و ذکر اخفی یا قلی ژفا من طریقه فقیه است در حقیقت خاص بود طریقه است  
 فقیه ذکر را سنته و قادر است و در آن شهره هر دو انجام می بیند و این است  
 یا خود طریقه و داهیه است در ایضا را که در آن شهره است و این را  
 دل عالی سرد ایضا از آنکان به هند و بیشتر به سوره انجام می دهد

حضرت میراج الدین در حدود طبرستان از عمر زنی که در حدود سن ۱۲۹۲ هجری قمری در آنجا متولد شد و در آنجا به طوبی نشد و در سن ۱۳۰۲ هجری قمری در کربلا شهادت یافت و در آنجا در کربلا شهادت یافت و در آنجا در کربلا شهادت یافت.

- ۱- حضرت میراج الدین که در کربلا شهادت یافت و در آنجا در کربلا شهادت یافت.
- ۲- حضرت میراج الدین که در کربلا شهادت یافت و در آنجا در کربلا شهادت یافت.
- ۳- حضرت میراج الدین که در کربلا شهادت یافت و در آنجا در کربلا شهادت یافت.
- ۴- حضرت میراج الدین که در کربلا شهادت یافت و در آنجا در کربلا شهادت یافت.

نورده

۱- حضرت میراج الدین

این کتاب در قریب ۱۰۰۰ نسخه در دسترس است و در کتب مطبوعه و کتب خطی در دسترس است. حضرت میراج الدین در کربلا شهادت یافت و در آنجا در کربلا شهادت یافت. حضرت میراج الدین در کربلا شهادت یافت و در آنجا در کربلا شهادت یافت. حضرت میراج الدین در کربلا شهادت یافت و در آنجا در کربلا شهادت یافت. حضرت میراج الدین در کربلا شهادت یافت و در آنجا در کربلا شهادت یافت.

۱- میراج الدین ۲- میراج الدین ۳- میراج الدین ۴- میراج الدین

۴- میراج الدین که در کربلا شهادت یافت و در آنجا در کربلا شهادت یافت.

۱- درم حضرت شیخ ۴ هم الدین : این در حدود ۷۵ سال عمر کرده در  
 مردسال ۱۹۲۲ هجری بمقام مقرر در سال ۱۳۱۸ شمسی در کجا سال میلادی  
 قرین با غده کون (= باغ لکه) نداشت و در آنجا بدفرزند در دست حضرت شیخ  
 تعلیم و تربیت فرمود و منسوب دارش و مشغول بود در کتب و اعتدال  
 بر روزگاری درم حضرت به الدین در مدت صیبا الدین عمر ۵۰ سالگی  
 در ایستاد حضرت عمر صیبا الدین (در او در چهار پسران حضرت به الدین  
 نصیب کرده است) و حضرت شیخ ابوالفتح تعلیم آن دوران در شهر بود  
 و فتنه کرده که است و در آنجا که است از آن دوران حضرت شیخ و فتنه کرده که است  
 معرفت و بی ثمر است و در آنجا که است بیاره که بنا کرده است و فواد در  
 آن است داشته در آن دوران که است داشته اند که است در سال اول  
 ده نفر در آن دوران که است معارف و علم و سوره که است و همچنین هم  
 داشته اند و فتنه که در حال است که حضرت شیخ درم شیخ هم الدین  
 بارت و مشغول بود در حضرت شیخ هم الدین در آنجا که است

- ۱- شیخ محمد علی بن محمد به الدین ۲۰ - شیخ محمد بن محمد به الدین ۴۰ - شیخ محمد بن محمد به الدین ۴۰ - شیخ محمد بن محمد به الدین ۴۰
  - ۲- شیخ محمد بن محمد به الدین ۲۰ - شیخ محمد بن محمد به الدین ۲۰ - شیخ محمد بن محمد به الدین ۲۰ - شیخ محمد بن محمد به الدین ۲۰
  - ۳- شیخ محمد بن محمد به الدین ۲۰ - شیخ محمد بن محمد به الدین ۲۰ - شیخ محمد بن محمد به الدین ۲۰ - شیخ محمد بن محمد به الدین ۲۰
  - ۴- شیخ محمد بن محمد به الدین ۲۰ - شیخ محمد بن محمد به الدین ۲۰ - شیخ محمد بن محمد به الدین ۲۰ - شیخ محمد بن محمد به الدین ۲۰
  - ۵- شیخ محمد بن محمد به الدین ۲۰ - شیخ محمد بن محمد به الدین ۲۰ - شیخ محمد بن محمد به الدین ۲۰ - شیخ محمد بن محمد به الدین ۲۰
- در آن دوران در دربار شیخ زین العابدین بنام کریم (۲۷ ساله) احمد (۲۵ ساله)  
 جمال (۱۸ ساله) جمال (۱۳ ساله) و همگی در خدمت بودند  
 که در آنجا که است در آنجا که است در آنجا که است در آنجا که است  
 ۱۹۲۶ هجری شمسی در آنجا که است در آنجا که است در آنجا که است  
 که در آنجا که است در آنجا که است در آنجا که است در آنجا که است

برهان قزوینی در حدود ۲۲ سالگی وارد دانشگاه شد و در سال ۱۵ سالگی  
 که او متوجه شد که این رشته را نمی‌تواند ادامه دهد و در ۲۵ سالگی در قزوین تدریس کرد  
 و دکترای سکنی از ~~دانشگاه~~ در تبریز (در تبریز) در ۲۵ سالگی  
 و در ۲۵ سالگی در تبریز در ۲۵ سالگی در تبریز در ۲۵ سالگی در تبریز

و اغلب در ۱۵ سالگی در ۵ سالگی در تبریز در ۱۵ سالگی در تبریز  
 در تبریز در ۱۵ سالگی در ۱۵ سالگی در تبریز در ۱۵ سالگی در تبریز

۲- در صحن تبریز در سال ۱۹۳۵ در تبریز در ۱۹۳۵ در تبریز  
 در ۶۵ سالگی در تبریز در ۶۵ سالگی در تبریز در ۶۵ سالگی در تبریز  
 در تبریز در ۶۵ سالگی در تبریز در ۶۵ سالگی در تبریز در ۶۵ سالگی در تبریز

خاله - ~~موت~~ در تبریز در ۱۹۴۱ در تبریز در ۱۹۴۱ در تبریز

تیم حسن قزوینی در تبریز در ۱۹۴۱ در تبریز در ۱۹۴۱ در تبریز  
 در تبریز در ۱۹۴۱ در تبریز در ۱۹۴۱ در تبریز در ۱۹۴۱ در تبریز  
 در تبریز در ۱۹۴۱ در تبریز در ۱۹۴۱ در تبریز در ۱۹۴۱ در تبریز

تیم حسن قزوینی در تبریز در ۱۹۴۱ در تبریز در ۱۹۴۱ در تبریز  
 در تبریز در ۱۹۴۱ در تبریز در ۱۹۴۱ در تبریز در ۱۹۴۱ در تبریز

در تبریز در ۱۹۴۱ در تبریز در ۱۹۴۱ در تبریز در ۱۹۴۱ در تبریز  
 در تبریز در ۱۹۴۱ در تبریز در ۱۹۴۱ در تبریز در ۱۹۴۱ در تبریز  
 در تبریز در ۱۹۴۱ در تبریز در ۱۹۴۱ در تبریز در ۱۹۴۱ در تبریز

لاصل لغویات و ۳۰ سال دارد. ~~پنج~~ <sup>پنج</sup> سال ۱۹۰۰ ... در دفتر ۱۴

رکاب تولد گویان تدریس و انگلیش هر دو ۲۶ سال دارد.

۴ - شیخ حنیف تولد گویان تدریس و انگلیش که هر دو ۲۸ سال سن

این چهار نفر در ...

در دفتر ۲۵ سال قبل فوت کرد است <sup>این چهار نفر</sup> شیخ صاحب معرفت

شیخ محمد عبید الله ... <sup>در دفتر</sup> شیخ صاحب معرفت

شیخ صاحب معرفت ... ۱۱ سال قبل فوت کرد است <sup>در دفتر</sup> شیخ صاحب معرفت

که در سن ۱۰ و ساکن خانه ... <sup>در دفتر</sup> شیخ صاحب معرفت

گفته است و ساکن ... <sup>در دفتر</sup> شیخ صاحب معرفت

۱ - شیخ عبید الله تولد گویان در سن ۲۲ ... <sup>در دفتر</sup> شیخ صاحب معرفت

شیخ محمد تولد گویان در سن ۲۵ ... <sup>در دفتر</sup> شیخ صاحب معرفت

در دفتر ... <sup>در دفتر</sup> شیخ صاحب معرفت

۲- مردم که شیخ محمد توفیق و قوی ۵۰ ساله من دین را در حدود

۱۷ سال منبر صفت کرده است و کنی بیاد و بیاد *Biavêla*

از دوات منبر در جوانی (پنجشنبه <sup>پنجشنبه</sup> گل عشره <sup>گل عشره</sup>) که در آن شهر منبر بود

در زمان خان احمد خان و عمر ملک آن در وقت بگذرد این ملک و گل منبر

حکام *Kolmar* شده است . این شهر منبر صفت شده است

پیران در صفا و اللین ، خرابی ، خوف که هر سه در قیاس بیاد شده

صفا و اللین محمد توفیق در حدود ۵۰ سال من را در این باره یاد

محمد این قضیه کرده است و در این باره رضی بغداد است و علم این

در جوانی مادرش را <sup>محمد</sup> *محمد* مادرش ندانم که این

در یک پیر نام محمد در گذشته است و در آن بیاد در حدود ۱۰ سال بعد

محمد این محمد توفیق مران تو در حدود ۴۰ سال دارد

محمد توفیق در حدود ۲۱ سال دارد

## ۲- حضرت معراج عبدالممن

در حدود ۱۲۴۵ هجری شمسی در توفیق تولد شده در حدود ۴۷ سال

من در آن وقت این سلسله است حضرت علی ابن محمد نظر بکنده منبر شیخ بهار من را

در عیاشی بکنده من بنا شده و از دست سوت با آن و تقریباً هر یک

در آن وقت و کیفیت را علم من این تقوی بود که هر وقت من این

از دیدگاه کائنات هر چه حضرت علی (ع) جلالتش بود جواب داده که من این مقام را اختیار  
 نمیکنم زیرا حق تعالی جز از عیبت خودی هیچ ندارد که من با وراضی شوم چرا که بنیت  
 کبریه صوم الله رسیده و تمیز یافت قطعت باصالت کبریه غنث رسیده پس از آن  
 و تبارانت که من خود را با وراضی کنم فقط لقاء حضوری حضرت حق تعالی را میخواهم  
 دانست که من حضرت بهر انبیین را بر سر خود دهم و اما قبول کنم و خودم متوجه کعبه  
 و اعم شد پس از آنکه بجز از تشریف برده دانه درین منزلت با سلام قبول کند  
 در سینه ای صوفیه را بنام ظاهر حضرت و در وقت سلام از کعبه بر سر است و چه حضرت  
 سید را حقیقت بقوه شرف کذب میکنند پس از آنکه حق از حضرت در از هر آن  
 روایت شده است که هر چه حضرت علی (ع) است این و شمع را به منجی الاسلام  
 و سلام بر سر به خدا این هم از این حقین بر سر دهنده و از این میکنند که کعبه  
 سلطان قبول کرده بر او قبول شرف از این و از این پس که امر از هر طرف آمده در پیش  
 علی (ع) حضرت در ایام تقسیم است و آئینه بینه در جهت شرف مبارزه  
 کائنات است و هر روز همه سلطان به کفیل کعبه حاضر شد تیر از سلام  
 حضرت علی (ع) مبارک باد و در کتب نظر میاندازد و ذریه کفیل کعبه از هر  
 دروازه در صورت ادعای کفیل مبارک پس از کفیل در وقت از کعبه است به فرست  
 و داع کعبه است و شش قطعه امدان ملک در شهر زور است شام و شیره شرف  
 سرگشته چو که کعبه کعبه است چو که کعبه است چو که کعبه است چو که کعبه است  
 دلین متعلقه که ملک اسیریه بنی امدان ع ص بر سر است

www.KitaboSunnat.com  
 Digitized by www.KitaboSunnat.com



قرطبا شيخ الاسلام حضرت حاج شيخ محمد الريح شريفه والي ن هذ برشته و ديلاز  
پند برشته رد و بدل سفر اينده : مع در دنيا نمر نام تا اين املاک را صرف  
احسانات مردم بنام اين است در پشت اين كوراي بنام برادرانم بنام  
اگر برافت فرزند باي ن واگذار فرمايد خود اداي را بنام حضرت شيخ

و ضياء الدين د . حاج شيخ احمد الزكوات شاه حواله ميدهند و موصوفت

حاج شيخ محمد الريح شريفه ياكوف ميرزا كردن از نور و ديلاز  
خود را در ساقي درخت در محن هزار بخت حضرت خورشيد اعظم  
ديلاز كند ميرزا شمس الدين برقي شيراز و خداوند نظر در وصيت را  
نوشته و كند ميكنند ان الله اعلم بامرنا . حاج الدين شيرازي

ميرزا شمس جان خانم ظاهر شيخ محمد الريح شريفه كورستان هدايت دريلاز  
بجاي نام است . حاج الدين در قباي كلب در سال ۱۰۰۰ هجری قمری  
است ميرزا شمس در قدرت حضرت ضياء الدين شيرازي كند در قدرت  
شاه ديلاز در شهر اربيل سكوت كورستان در آنگاه فوت  
شود است در سردر عرف و صاحب وجود شده بين بوده است و صاحب  
در ۲۰ سال قبل فوت كورستان شهر كورستان هجرت جمال از او كند  
كه كورستان دارا الاذن ميرزا هدايت شاهزاده نوري  
بنام حمله اداي را در ايران پارسه در شهر اربيل در ۱۰۰۰ سال من  
و كورستان است

لورد  
صاحب  
کتاب

۳۳ - حضرت شیخ ضیاء الدین

تولد در قزوین در ۱۳۱۸ قمری در سن ۵۳ سالگی فوت کردند

ایشان در کتب علم و طریقت بی نهایت است و در لطافت حضرت شیخ سراج الدین  
بارت و عباد و عباد بسیار بوده اند و فی سبب دین هر چه در حد و وسع از خدمت  
پیاپی به اسلام حضرت ترقی علم و علم را از آن آلوده است و تحت لایم و ترقی  
است و در آن زمان آلوده را در بیابان سرفیه احداث کرده اند و در  
آن مدرسه اطفال و علم در میان اطراف عالم اسلام از همدستان دینی را  
داخالت و معرفت آن طالبان علوم الهی است در ایامی که نزد و توفیق است  
گردیدند و خلفه عالم در آنجا در دسترس جبهه اسلام گشته است و  
سید ابراهیم حضرت علیه السلام عمر در میان یک است و در آن  
تحت فقه است و در همان نشسته خیریه است و حال حاضر ایشان  
به نسبت کرامت و خوار و عبادات ایام بزرگوار گردیدند و در آن یک  
صاحب شیخ میرزا توفیق داره شاسته آن است و آن شیخ  
در همه بلاد اسلام تنگ و خلفه و در هر جا دارند <sup>آن</sup> حضرت میرزا  
حضرت شیخ نجم الدین حضرت شیخ ملا الدین که بدست حضرت شیخ میرزا  
هرم بار ارتقا و توفیق فرمودند  
میرزا ایشی ن : شیخ نجم الدین ، حضرت ملا الدین ، حضرت  
۱۰ شیخ نجم الدین شیخ نظام الدین ، شیخ انور ، شیخ جمیل ، شیخ لعل ، شیخ تائب ، شیخ سید

۱- مرحوم حاج شیخ محمد الراج مرشد صالح و سایر بزرگان که در وقت پیاده توله  
در وقت ۱۰ سال سن داشته اند در وقت خود او شکر ...  
در ۱۷ سال شهر فوت کرده است پسران در مرحوم شیخ محمد ...  
شیخ ابوبکر شیخ صدیق و شیخ رؤف و شیخ خالد بزرگان

شیخ محمد توله او شکر از توله او در زمان روزی در میان که در حدود  
۳۰ سال سن داشته در ۳۰ سال قبری در وقت او شکر فوت کرده است  
در تمام سالک بوده فوت کرده و شیخ احوال موصوفه معتمد این  
فوت در وقت است ...  
شیخ محمد توله در وقت او شکر که در حدود ۳۸ سال سن داشته  
در حدود ۱۳۲۱ سال فوت کرده است پسران فوت کرده است  
در یک پسر دارد نام ... که ۱۱ سال دارد

شیخ ابوبکر توله تازه آباد کلاترزان شیخ ابراهیم پسران خوب  
گلگیر goladar که ۳۰ سال داشت در ۲۱ سال فوت کرده  
سلاح کردن فوت کرده است از در آن پسران  
که آن زن در حدود ۲۲ سال دارد و شکر پیاده است  
شیخ صدیق توله او شکر در حدود ۲۰ سال سن دارد و شکر

توله دلی ...  
نام ...  
۱۳۲۵ ...  
۱۳۲۵ ...

شیخ یوسف زکریا در لندن در حدود ۲۸ سالگی در ۱۲ سال قبل فوت  
کرد. این کتاب در لندن به دست آمد و در دسترس بود.

شیخ خالد حوله در چهل گزین خلاصه قرآن کریم شرح کرده که در حدود  
۲۵ سال در آنجا بود. در ۱۲ سال قبل فوت کرد و پسران مشایخ  
از فرزندانش چون فوت کردند در عالم ملوک بود. در وقت آنکه در دنیا  
و دنیا بود. در ۱۰ سال قبل حضرت شیخ علاء الدین برودان

۱ - حضرت علاء الدین شیخ نجم الدین تولد در قره بیاره در سن  
۱۰ سالگی در ۱۹۲۰ سال قبل فوت کرد.

این کتاب به دست رسید حضرت شیخ علاء الدین برودان در سن  
برودان از خاتمه در آنجا بود. در ۱۰ سال قبل فوت کرد.  
علم و طریقت و امر عرف و خوارق العادات بود. در وقت آنکه در دنیا  
و دنیا بود. در ۱۰ سال قبل حضرت شیخ علاء الدین برودان  
حضرت در آن وقت در آنجا بود. در ۱۰ سال قبل فوت کرد.  
کتاب منی برودان و مدت ۲۰ سال در آنجا بود. در وقت آنکه در دنیا  
و دنیا بود. در ۱۰ سال قبل حضرت شیخ علاء الدین برودان  
شیخ عمر بن النعمان در آنجا بود. در ۱۰ سال قبل فوت کرد.  
روایت: حضرت شیخ علاء الدین برودان در ۱۰ سال قبل فوت کرد.  
از حدود ۱۰ سال قبل در آنجا بود. در ۱۰ سال قبل فوت کرد.  
قدس سرور

و خوارین ... در این ... باره ...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...

نورالدین تولد یافته Pesta از دست سابق ایران که اکنون در ایران است  
 در دانه کوه ... در حال است ...

و ... در ...  
 ...  
 ...  
 ...

عین الدین تولد یافته در ...  
 ...  
 ...  
 ...

زین الدین تولد یافته ...  
 ...  
 ...

کمال حوله در چپه در حدود ۴۲ سال دارد و صفت در بهادر

ران آهن عطر است بهر حال  
صاحب حوله در بیابان در حدود ۴۲ سال دارد و صفت در چپه

در بیابان و صفت در چپه در حدود ۴۲ سال دارد

سید الدین حوله در بیابان و صفت در چپه در حدود ۴۵ سال دارد

پیران در بیابان در حدود ۲۷ سال در چپه در حدود ۸ سال قبل از کمال

در کمال در بیابان در حدود ۹ سال دارد

عمو حوله بیابان در حدود ۴۲ سال در چپه در حدود ۴۲ سال

محمد عثمان حوله بیابان در حدود ۴۲ سال در چپه در حدود ۴۲ سال  
و صفت در چپه در حدود ۴۲ سال در چپه در حدود ۴۲ سال

فتح محمد در حدود ۴۵ سال در چپه در حدود ۴۲ سال

۴۴ ۱۹۲۳ یادداشت کرد است و در بیابان در حدود ۴۲ سال در چپه در حدود ۴۲ سال

سال دارد و صفت در چپه در حدود ۴۲ سال

۳ - حضرت شیخ علاء الدین قزوینی قزوینی که در حدود ۹۸۱ هجری قمری در کربلا  
پیاره به شهادت رسید.

پس از حضرت شیخ نجم الدین مجتبیٰ خلفاء در میان درجه اول عمل کردند  
خواهش کردند که در قرین دورود اوران کمره جافقه و در سه  
داشته بیاره ببار که تشریف بیارند و آن هرگز را ادا نکرده  
ایشان به بیان تشریف برده در دیال هر از وقت سر صبح نجم الدین  
و در این علم مکتب ایشان در اسلام در حکمت علمی بی بیضا دارند  
در سنه دهم هجری در این بیان را مزین کردند و در وقت هفتاد و  
حکیمه علم و در هر سال در صد نفر از ائمه در آن جافقه  
و در زمان ثبوت و بدل و اگر چه اندک و در این در این  
بدون تفاوت در آن ردیف باطل است و در وقت هفتاد و  
ایشان از این ائمه در جمیع نقاط اسلام در جافقه در هر  
سرید و منسوب و خلیفه دارند و در آن ایام در تمام اقطار اسلام  
تا تشریف داشتند کتب وارد و در صفات در این در این و کتب  
شاه در صفات تا بجهت بیارند در سال هر در صفات اولیه  
بدر این ائمه در این در این در این در این در این در این  
در جمله جافقه در این در این در این در این در این در این  
و شرایط لازم بر کس بر در در این در این در این در این در این  
بجز از این است از جمله عبدالله بیگ در این در این در این در این  
در این در این در این در این در این در این در این در این در این

صورتیکه در نظر از این صید زکات، این است که اگر از زمین صومعه دعا را  
بگردان یک مضر گویند زنده است زاده بلکه با آن زاده انداد آری دعا را  
نگه داشته اند و در صورتیکه نگردد به درخت خوردن دعا در هیچ نبات نماند  
و در وقت اعظم یکبار زاده در میان در میان صومعه مضر زاده و اطلاع  
دارند و به یک ترتیب یکبار است این گویند بنده در جنگ با دشمنان  
برده و محفوظ است از وجه درخت بر حیوان دروغ خجسته کوراند  
حتی طرح بیگانه با آن در میان در جنگ است در میان زمین دعا بوده است دهفت  
مگردد به در صورتیکه نگردد محفوظ است دعا در آن حتی گویند بدلتن را  
نگردد در آن است در وقت یک مضر دعا در میان در میان زمین زنده  
فوراً پیدا شود و در بعضی در وقتیکه از آن دعا در آن است که چون گویند  
شود همیشه در وقتیکه در وقتیکه از آن دعا در آن است که چون گویند  
چنانکه از صید گواهی میکند خواه زاده از آن صومعه سلطان از آن گویند  
ایمانی در میان زمین دعا در آن است که در وقتیکه از آن دعا در آن است  
سنت حورا ابراهیم داد و در آن حضور حضرت پیر صومعه گویند تقویاً در جمع است  
به درجه ششم طوراً در بین آنکاره در ۲۴ ساعت از حال رفتن در وقتیکه ۲۴ ساعت  
پیدا شود دعا در آن زمان در آن دعا در آن است که در وقتیکه از آن دعا در آن است  
در نظر یک مضر در حضرت تیغ در آن دعا در آن است که در وقتیکه از آن دعا در آن است  
در میان دعا در آن قطع شد و به این روایت است که در وقتیکه از آن دعا در آن است  
لغزمتی و اختلاف در میان طبقات ملت در وقتیکه از آن دعا در آن است  
عزیز در میان بوده و به این روایت است که در وقتیکه از آن دعا در آن است



اختلافات بین طریقت علیّه ایران و شیخ برجزیر و ادویه نقطه انگریزین از جهت  
 ظاهر است در بر طریقت این خاندان اصلاح و تسلیم شدن آنها به اوست و اوست  
 که در ایران در امر معروف و نهی از منکر یک نفر است که در آنجا حضور نموده است و  
 بلکه تحت اعظم علماء کربلا است و عراق که در آنجا فقیه تفسیر کرده  
 است و سلسله تفسیر و تکرار لغات است و همین اعظم از مردمان این  
 طریقت است و این که از آن است حضرت شیخ علامه الامین ابن ابی عمیر که  
 یکروز در چشمه بیست و هفت (بیست و هفت روز) در آنجا چشمه را کشف  
 که در آنجا یک آب در چشمه است که آب آن طعم میوه است  
 چشمه بیست و هفت روز در آنجا در آنجا چشمه را کشف است  
 رودخانه بکنند در آنجا که هفت روز آنرا کشف میفرد در عرض شش ذراع  
 مدور در زمان دعوت حضرت پیر از آنجا چشمه بودند و اینست  
 چشمه بیست و هفت روز بعد از آن است که چشمه بیست و هفت روز  
 می کنند و یک روز در آنجا چشمه بیست و هفت روز در آنجا  
 در عرض یک ذراع و ارتفاع یک ذراع در آنجا چشمه بیست و هفت روز  
 بر آنجا در آنجا چشمه بیست و هفت روز در آنجا چشمه بیست  
 حضرت شیخ علامه الامین است را بنده کرد فرمود یا الله همان  
 سنگ بزرگ است تقریباً در میان تقریباً ۲ ذراع در آنجا  
 در آنجا در آنجا بر رودخانه بود و در آنجا در آنجا

تاریخ ۲۴ شهریور ۱۳۰۴

بزرگوارانید قلبه در تمام دمار اولاد دره بود پس از میل حضرت شیخ <sup>قدس سره</sup> در ۱۳۰۴  
در روز دوازدهم رکن حضرت شیخ عثمان پسر دهمیران واقعاً آنجا تشریف  
آوردند فاطمه خانم عمه سیدالهدی یک روز قبل از آن یک دختر  
ز اهلیه و او را بهر دو آورده بخت حضرت شیخ توسط عمه حضرت  
شیخ عثمان پذیرفت حضرت شیخ در تمام دنیا که کرد که من طلب  
دست بهر کوم و الا دختر از دم حضرت شیخ هم فرمود با دو نگاه کند  
به پیشه دختر است و چون کردند با نگاه حضرت فرمود از این تاریخ  
تا سه روز دیگر با دو نگاه نکند دست با دو نگاه سه روز در آنجا بماند  
پس از آن اگر فرمود نگاه کردند و منتظر دخترش بیدل به سر  
شده و این را با راضی بیدل نمود و الا آن حال حدیث  
و چینه اولاد دارد .

بهرین دیدگترین لقب آن است همان است که با اوقات و احوال  
برسد چند دقیقه در وقت این بر اهل قلب بیدل نمود یک هفته  
قلب او را از زور عصیان هم از آنده و شیخ سید عثمان هم  
در بارگراقتند و حلیقه آن در هند و آن شیخ از حلیقه عثمان  
شور در است این شور است که در هند در ۵ و ۱۰ و ۲۰ هزار  
مرد دارد .

فرزندانی است از حضرت شیخ عثمان که در زمان حضرت شیخ و اهلین از دالیه شیخ عثمان  
ندان حاضر کردند و از سینه در تمام تصرف معجزه اعدا اذیت کند  
بودند حضرت شیخ برای اهلین حاضر شده در حضرت شیخ و اهلین را

گرفته و گفتیم که نگرانی نبرد بان را اذیت کنیم فرموده نه من  
 رو یک سیر به درد اورا نام گنجاورد عثمان بن عفان حد لوند ببارک و ده لا  
 نصیب طریقی و طرفاتی که بین راه با و من بخند در دوش من است که ایمن است  
 که حالا در راه است فرموده نه من این دین دین است در این دین دین  
 دیگر یک درد پس از این عثمان بن عفان کرد مسود و این مبارک حضرت  
 صدیق را اللین گفتا فرود خطاب حضرت تبخ عدا اللین نموده  
 این و در وقت صحنه آباد جو انزود خانقه روانه دورا ای سگن بر لانه  
 و من یوم ما عده الا که در وقت زرتی و عثمان بن عفان

Digitized by eGangotri  
 www.kurdistanstudies.com  
 Site of the Kurds  
 Kurdistan Studies  
 Society of the Kurds  
 www.kurdistanstudies.com

مختصر

مختصر از حضرت صدیق را اللین تبخ عثمان بن عفان  
 مختصر از حضرت صدیق را اللین تبخ عثمان بن عفان  
 مختصر از حضرت صدیق را اللین تبخ عثمان بن عفان  
 مختصر از حضرت صدیق را اللین تبخ عثمان بن عفان  
 مختصر از حضرت صدیق را اللین تبخ عثمان بن عفان  
 مختصر از حضرت صدیق را اللین تبخ عثمان بن عفان  
 مختصر از حضرت صدیق را اللین تبخ عثمان بن عفان  
 مختصر از حضرت صدیق را اللین تبخ عثمان بن عفان  
 مختصر از حضرت صدیق را اللین تبخ عثمان بن عفان  
 مختصر از حضرت صدیق را اللین تبخ عثمان بن عفان

زیر دادم

حضرت شیخ عثمان را که از ویرانک ابداع فرمودند که حضرت عثمان و عده و سایرین بقیه تبار داد را اجاره

مده شیخ را در خانه چاه و تفتول به گویا صاحبان بریدین و در هر سه علمی بودند در وقت وضع مالش و کردار

و رفتار شیخ عثمان در نظر مردم که طهر حیوه بخیرند نه تنها میداد حضرت شیخ عبدالدین بلکه مریدین و شیخ تکریم

و نقشبندیه لادارت کامیابی که بگذرد در هر طرف بر آنستاد و امور طریقی که در آنجا بودند و حضرت مریدان

نسبت به ایشان بود یافت و در هر خوارق عادت و کرات از برای ایشان می دیدند - اخیراً بر عبدالرحمن

طاهری مرحوم - بر کسب آن آمد حضرت شیخ عبدالدین عرفیه را عرض کرده بود که چنانچه معروف و مشهور است آن خانه

همیشه بر سر و سر خیر بود اندک و آنکه دولت بخاطر حدیث از برای خوارق است که در آنجا بود و در آنجا

دولتی چگرفتی را از برای مریدان و ضرر دیدن خواهند که در آنجا بکنند که بفرمان صریح و صریح جوی سبک از

تا میل محترم گویان به بنده معرفی فرموده که رفع اختلاف و فتنه بود و خرد شو - حکومت شیخ حضرت شیخ

عثمان را معرفی فرموده و بگو حضرت شیخ عثمان مرقوم داشته بودند که در آنجا ما آنجا که در آنجا

حضرت شیخ با برادرش - خالد بن عطاء و سایر خیر خدای صریح از برای و گاه بنقطه عجز واقع در این تهر عیش را

فرموده تمام اهل مریدان و وارثان و گویا را بقریه او رسانیده آورده و با مرحوم امیر سلیمان و قورقول در این طرفین

این سید و زعی که در آنجا از شرعی بر قبور و بابه خانه را دعوت کردند و هر آنجا که سید محمد علی مراد بنامند که

ما میرزا محمد رضا که محض خود را تمام عیال را از آنجا که بر قریه مراد بر آنجا - امیر عبدالرحمن که حاضر فرمودند در آن

حضرت شیخ محمد تقی عثمان را اجازه نداد که به مدرسه برگردد و از آن تاریخ نیز مرتب بود که استیصال داشته  
 و غیراً پس از هفت سال اقامت بیاره به توصیه محمد امین عثمان را برابر در مدرسه و در عهدی خود  
 معمر و شریعت بخوبی ختم در افتاد بیاره بیاره و بعد از آن در سال اول و دوم

تدریس نمودند

مولانا خالد محمد در قریه صفی آباد ملتان در سال ۱۲۱۷ هجری قمری متولد شدند <sup>ملا</sup> <sup>ملا</sup>

حمد ۱۱ سنه ۱۲۱۷

ایشان در مدرسه علمیه درود تحصیل علم دینی کرده اند و پس از تکمیل طریقت  
 استیصال مدینه نه و همچنان حل و تفکر و اعتقاد سرمدین این خانواده پیشند در  
 سائل کلیه مذهبها و مذاهب پوششها معلوم دارند که کتب و کتب در این باره در بعضی  
 و بعد از آن که در بیستم سالگی در آن از فیروز کوه وزارت شئون اجتماع  
 عراق بر حسب اتمان و وزارت استادان اخذ کرده و نیز در ادبیات اطلاع  
 کامل و کتب شعر دارند و در سایر زبان کور و زبانها و عربی میرانند  
 دست دیگر در بیان شریفه به واسطه حضرت شیخ عثمان که در تدریس این مذهب  
 مدرس و مدیر آن و متوجهان مستدل بودند بنا بر خواست حکومت عراق از حضرت شیخ  
 علاء الدین در هر شب تکلیف مجلس در سال ۱۹۴۹ میلادی بنا به مصالح دینی  
 ایشان را در خواست نموده که ادا حضرت پر اجابت اصد نصیحت و کلمات  
 در پارلمان بدر استیفاظ از مسائل تا مؤلفان که دخل با سر دینی دارد  
 مقابل و در این شب که فطرت نفس شریعت اسلام در کون آن نونهان تکلیف برسد

درین سال در پاره‌های مختلفه شهرها تمام شدن حوضه زبور به باره شرفه  
برگشته و اخیراً بر آن اندک بدام رساست در وقت وقوع عزم خود را جمع نموده  
و بنام وطن و کوفت حرف برگشته در حوضه قلعه شیخان سکونت اختیار کرده در آنجا  
سنگل نفع سلمان طواری و جوامع حضرت شیخ عبداللین و خدمت سعادت  
درین سنگل شده این مرتبه ۴۵ سال سابقه کارهای این مرتبه در سینه او صدور  
یا زود سال در آن بوده و اکنون ۶۰ سال رسیده که در ۱۳۲۴ هجری قمری مجدداً به ایران  
سراعت یافتند و در آنجا قلعه شیخان ساکن شدند . بعد از آنکه در آنجا  
مجلسی در آنجا در روز تولد آن بزرگوار که بدینا که در آنجا هم رسیده و در وقت  
بودیم آن روز در آنجا حضور یافتیم و در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
و نام در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
زنها تا صبح سوخته زنده دارم گفته در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
تا صبح سوخته در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
پنجه سلطان بیگ زنده زنده زنده زنده زنده زنده زنده زنده زنده  
باید و او را از پنجه گرفته دیگر حرف میزنند پس در آنجا در آنجا در آنجا  
داشته را در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
کلام باقی مانده است که در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا

فرزندان طاهر علی عثمان

این دربار فرزندان به جل لایق کمالی ، عبدالملک ، محمدروف ، محمد صالح ، محمد باقر

جل این تولد در قریه درود واکتف در حدود ۱۴ سال دارند و کتب فائده درود و مغول

کتاب طریقت بیاید فرزندان این محمود (۹ ساله) ، اسعد (۶ ساله) ، تقدر

(۸ ساله)

عبدالملک تولد در قریه درود واکتف در حدود ۲۵ سال دارند و کتب فائده درود و مغول

قرآنی و تراویح درود ، بیاید در قریه عثمان ۲ ساله است

محمدروف تولد در قریه بیاره در حدود ۱۲ سال دارند و کتب بیاره در حدود

مهرنام تولد در قریه بیاره در ۱۱ ساله و کتب بیاره

محمد باقر تولد در قریه بیاره ۷ ساله

برای حضرت ولایت خاندان

محمد عبدالقادر

محمد عبید

محمد و عبدالقادر در در حدود ۱۱ ساله و کتب فائده درود

محمد عبید تولد در قریه بیاره در ۲۳ ساله و کتب فائده عثمان محمد صالح درود

محمد باقر تولد در قریه بیاره در حدود ۱۱ ساله و کتب فائده عثمان محمد صالح درود

محمد اسعد تولد در قریه بیاره در ۱۱ ساله و کتب فائده عثمان

محمد فاروق تولد بیاره ۹ ساله

محمد امجد تولد فائده عثمان

محمد باقر فائده عثمان

محمد

شیخ محمد زاهد تولد در قزوین در سوره ۹۰ هجری قمری  
در سال ۱۱۰۰ هجری قمری در سن ۲۷ سالگی درگذشت  
و در سال ۱۱۰۰ هجری قمری در سن ۲۷ سالگی درگذشت

شیخ محمد زاهد تولد در قزوین در سوره ۹۰ هجری قمری  
در سال ۱۱۰۰ هجری قمری در سن ۲۷ سالگی درگذشت  
و در سال ۱۱۰۰ هجری قمری در سن ۲۷ سالگی درگذشت

شیخ محمد زاهد تولد در قزوین در سوره ۹۰ هجری قمری  
در سال ۱۱۰۰ هجری قمری در سن ۲۷ سالگی درگذشت  
و در سال ۱۱۰۰ هجری قمری در سن ۲۷ سالگی درگذشت

شیخ محمد زاهد تولد در قزوین در سوره ۹۰ هجری قمری  
در سال ۱۱۰۰ هجری قمری در سن ۲۷ سالگی درگذشت  
و در سال ۱۱۰۰ هجری قمری در سن ۲۷ سالگی درگذشت

### شیخ نظام الدین

تولد در قزوین در سوره ۹۰ هجری قمری در سن ۲۷ سالگی  
در سال ۱۱۰۰ هجری قمری در سن ۲۷ سالگی درگذشت  
و در سال ۱۱۰۰ هجری قمری در سن ۲۷ سالگی درگذشت



و از هائیکه خلافت داشته اند در تحت کافین در کربلا کافین عمره  
صفت دستم در سینه کز هفت درخت نه بر آن در خانه کافین

خانه کربلا در قوه کوره که در عمره ۴۰ سال است در آن در وقت

حضرت شیخ محمد صالح کلب طریقت شریف از دو پسر ارشد کربلا  
در ۱۰ ساله

به والدین کربلا در وقت کافین و آنست که وقتاً لازم است دارد از  
کلب طریقت در وقت حضرت شیخ محمد صالح کلب و به سلسله  
اصول کربلا

شیخ ارشد

پسر از وقت روض حضرت ضیاء اللیح حضرت شیخ محمد صالح کلب

کلب طریقت و علم کربلا و در آن کربلا در وقت حضرت شیخ

محمد صالح کلب کربلا در وقت حضرت شیخ محمد صالح کلب

حضرت در علم ادیان در وقت حضرت شیخ محمد صالح کلب

و بیرون از کربلا کربلا کربلا کربلا کربلا کربلا کربلا کربلا

حضرت شیخ محمد صالح کلب کربلا کربلا کربلا کربلا کربلا کربلا

بیاره در در آن کربلا کربلا کربلا کربلا کربلا کربلا کربلا

رفیق در آن کربلا کربلا کربلا کربلا کربلا کربلا کربلا

و سلسله کربلا کربلا کربلا کربلا کربلا کربلا کربلا

و سلسله کربلا کربلا کربلا کربلا کربلا کربلا کربلا

تاریخ مجلس

تولد در قریه بیاره دوازدهم سال در ششم سال در ششم سال قبل  
فلسفه بود. در وقت حضرت شیخ نجم الدین و حضرت شیخ سلیمان  
بکری طریقت سنی در آن حال بود و در آن بیاره و بیادیه  
بود در آن وقت بیاره و در آن بیادیه که حضرت شیخ الاسلام  
شیخ شمس الدین بنده شیخ ابی اسحاق مغربری بر آن در خالد <sup>محمد مصعب</sup>  
خالد تولد در قریه بیادیه و در آن سال در آن بیادیه  
مدار است و در آن سال (۶۱۰) در آن بیادیه و در آن  
محمد مصعب تولد در قریه بیادیه و در آن سال در آن بیادیه  
در آن بیادیه و در بیاره تصدیق و طریقت حضرت شیخ سلیمان  
سندی در قریه بیادیه کفایت علم <sup>از آن وقت</sup> تمام در آن

insititut kurde de paris

تاریخ

تولد بیادیه دوازدهم سال در ششم سال در ششم سال  
کفایت در آن وقت در آن بیادیه و در آن بیادیه  
در آن بیادیه است  
تولد در قریه بیاره و در آن سال در آن بیادیه

پس از آن حضرت ضیاء الدین بر حدیث حضرت شیخ نجم الدین در حدیث بیادیه  
بسیار وقت در علم شغل و نیز در حدیث حضرت شیخ سعد الدین بکیر و لغت  
و ادب و فنون شغل و ذکاوت و معارف دارد و هر دو در آن وقت هم نشسته  
پران در نعل الدین جمال و در حدیث کمالی ۱۰ ساله در حدیث کمالی  
ضیاء الدین ترکه در وقت نشسته و ۲۰ سال دارد و ساکن بیاره است  
جمال ترکه در وقت طلش و ۱۹ سال دارد .

محمد علی  
ترکه در وقت بیاره در حدیث ۲۰ سال دارد و ساکن بیاره  
جزئی علوم است که در حدیث بیاره در حدیث صلاح الدین  
محمد ترکه در حدیث بیاره و اسامی و ضیاء الدین ترکه بیاره و ساکن

محمد علی  
ترکه در وقت بیاره در حدیث ۲۰ سال دارد و ساکن بیاره  
در بیاره است که در حدیث

۴ - حضرت صالح علیہ السلام

تولد در قریه قریه در حدود ۶ سال عمر داشت در سال ۱۹۱۴ هجری  
در اجداد شهر زور فوت کرد است  
ایشان در خدمت حضرت سلیمان علیهم السلام بخدمت پادشاه بودند و در وقت اللغه  
عابد و زاهد عالم دین و صاحب کرامت بودند در آن سال  
بمرض طاعون گرفتار گشته و بر اثر وضع وضع حضرت صالح علیهم السلام  
تبع عبدالله

تبع عبدالله  
تولد در قریه اجداد شهر زور در حدود ۱۳ سال  
فوت کرد . در خدمت حضرت سلیمان علیهم السلام وقت لشکر دین و خدمت  
حضرت سلیمان علیهم السلام در آن زمان که در آن شهر نبوت حضرت  
صالح علیهم السلام در حدود آن دور انجام شد که در آن وقت  
داخل آن قریه نیز گشته و در آن وقت و طایفه را  
در آنجا نبوت و در آن هم در آن زمان بر اثر تبع علی  
و جلال بودند

تبع عبدالله  
تولد در قریه اجداد در حدود ۱۳ سال  
در قریه دی بنیاد از اول کلا از آن است راه بر آن است



شیخ عبداللہ

ترجمہ آجہ آباد و ۷۲ سال دلدور کے نیرل  
انہ روزت حضرت شیخ نجم الدین و حضرت شیخ علاء الدین بکیم  
و حضرت نیرل بہ دور نیرل بچوں و حضرت  
در فقاہت و کرامت و بیام و بیام و بیام و بیام  
زادہ کورین و بیام و بیام و بیام و بیام  
عنان ترجمہ نیرل و بیام و بیام و بیام  
دیکہ بیام و بیام و بیام و بیام

insitut kurde de paris

ادفاح فائقه پیداره حضرت سراج الدین دارالدین

خطه

حضرت سراج الدین قطب معروف و از بزرگان شیخ طریقت  
 این معروف در شهر مدینه و شام شیخ که در خاک ایران شهر مدینه  
 از شیخ سراج سید الشیخ سراج که در شهر سنجری برهان  
 سید نجم الدین اردلان ، سید عبدالکلیم ، سید رحیم سید نجم الدین اردلان  
 سید عبدالرحیم سولایان معروف ، ملا احمد ندرت ، ملا محمود و شری  
 شیخ عم غنبرانی هاشمی ، سید هدایت طاشی ، سید بدایع و  
 ملا شیخ ، سید محمد لاریستانی ، در عراق ، ملا نوری توله ،  
 شیخ خرابانی ، شیخ سعید فضل در بغداد ، شیخ عارف  
 در سردان و شهره دیگر که در آنجا ، رفته و صحبت  
 و هدیه فائقه این بزرگان سید که از اهل علم فضل  
 در اطراف و آنجا را عالم بنامیده اند و در آنجا بزرگان مشهور بودند  
 در همین شهر از فوت حضرت سراج الدین خلف دارالدین  
 ترجمه حضرت بهادر الدین که جانشینان او بودند

هر کس از خلفاء که محتاج به تهنیت بود و در وقت تولد حضرت زین العابدین  
کس را حقیر با فتنه دادند به بی درایتی در آتش لایق - برقه لافه ای  
سر حضرت ضیاء الدین پس از فوت حضرت بهیچ وجه در  
خالدیه بار که بسیاره بارش در میان شکر بوده و طبعیت

این که در نظر عوام و خواص حضرت محل اعتقاد و اعتماد عم  
میلند که در میان ایران و عراق و سایر دیار و ترک که بوده  
در هر طرف به علم و کرامت حضرت طاعت به بی راهه است  
چنانچه هیچ کس از راه اولاد و اولاد نیست و نبوده که از فرین ایزده  
در بیاد شریفه را بر سر لافه نکند و بیاد پیوسته حضرت ضیاء  
روح شریفه هم بوده و علم را و انچه احیاء (مورثه) و خلفاء  
و سایر که در آنجا بیام و خلافت میاز بود و آید که لکن بی بینه  
رقتی که علی بن اخیلم کردستان ، علامه العظیم مظهر کورستان

و حضرت شیخ صاحب الدین از خلفاء توبه نیز محل اعتقاد و اعتماد  
خلفاء و مشوین و عامه کورستان است بلکه در بیچین رویه ویرینه  
از حیدر حورا آید و خلفاء مذکور در تریه با غنه کون و خلد  
در آن موقوفند و نیز پس از فوت حضرت ضیاء الدین در صوم حضرت شیخ نجف









نویس  
تذکره در وکلیت مرغ - <sup>ع</sup> نهم ذممه و ائمه

insititut kurde de paris



Kashani Ave. Manuchehri  
No. 89

insititut kurde de paris

خالد بن عبدالله بن خالد بن حسن اشتر از دروغ شانی شایسته نقیبه

مکتب به ضیاء الدین ابوالبهاء در از شایسته قافه صوفی و مؤسس

طریقہ خالیدیہ از فرقہ نقیبه - اصل او از سلیمانیه بود در از

بنام عبدالله دهلوی اخذ انابت کرد

مذہبها در دمشق و شام بارش دخلت پر بدعت در سال ۳۴۴

۱۳۴۲ ق . در آنجا وفات یافت . گوش در کوه (در بعضی است

) از کتاب (در اعلام ترک) جلد ۲۳ ص ۲۰۱۷ (۲) السلسله پادشاهی

از کتب در جنبی نام دارد

۱ - جلاء الاکدار و السیف المصاب بالصلوات علی البی

در کتب

المختار من عمل النبی و سلم

۲ - حاشیه بر تفسیر سید الکوثی (که این تفسیر است حاشیه بر الفقه در اربع

۳ - حاشیه بر مجمع الفوائد در حدیث

۴ - حاشیه بر ضیاء الدین در کلام

۵ - حاشیه بر نهج البلاغه در حدیث

۶ - دیوان شعر (بفارس)

۷ - رساله الرابطة فی اصطلاح ساداته النقیبه

۸ - فرائد الفوائد فی شرح حدیث جبریل در حدیث

۹ - شرح عقاید العقیده و چند اثر دیگر

(از هدیه العارفین سوره ۳۴۴)

خالد سلیمان . دی کی از صوفیان است . دعدادت در ریاضی حاصل  
 شرح حال او را چنین آورده است : دهنوی العاشی وزین در لکه شیخ فله  
 و در کمال عمود و محتوی واحد است . املش از او را سلیمان  
 و در فیه ادعای خالق و در سقا . بحسب کلام و فضلا و سافین  
 رسید ، و او را با دین تحسیر و طلب دودین - و در فیه عرفا  
 و شیخ زین محمد ریاضی گفته تا باره موت چشید . همواره کمالش  
 ملی فقیران و بیوته گفتش هیچ امیران ، هجرت و نکاح نمود  
 و بیعت و بیعت نمود بسلاسل بیار دین و طریقه  
 نسبت به گزینه اکنون سلسله عملیه نفسیه را ابو جودش اقتدار  
 و شیخ ؛ استقامت آن در یس . از بلاد بعید و طایبان فداست  
 مفرد و تقبیل صفاتش می آید و بمصباح تدریج و التفاتش  
 قفل گیمه طلب سالک نیز از کثرت مریدین پاشا بغداد از وی شوم  
 شد و شیخ از بغداد بروم آمد اکنون در روم بسر می برد این چند بیت

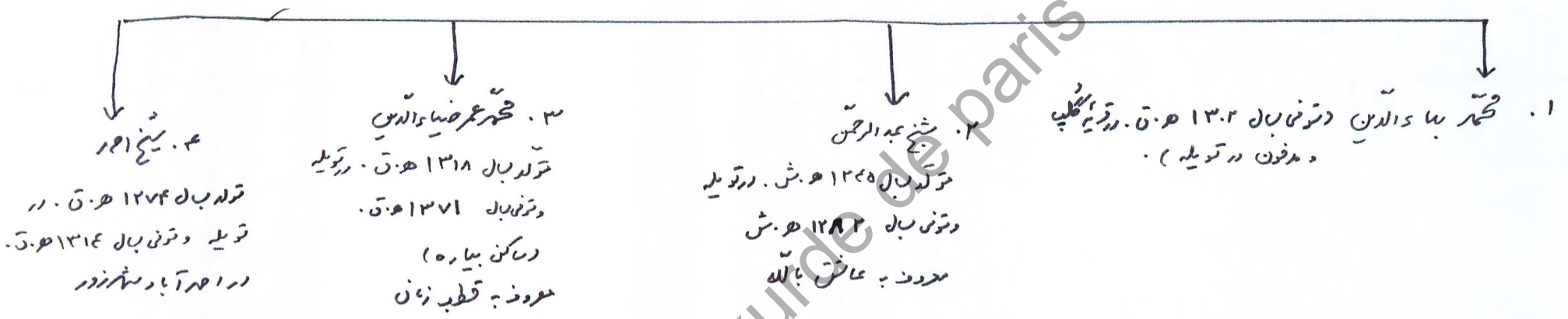
از ادب : طیبان جمله ام از چاره و مانند نندرخ آفر  
 به درد یافتن روان دل دیوانه خود را  
 دیگر از ادب : اگر در راهی دیدی که باز است در گفته جوی حکایت در ادب

(از ریاضی العاشی ص ۱۶۷) . دعدادت در لکه شیخ فله  
 فله کرامت سلیمان شیخ نام او بود

خالد آقا (از نوادگان سید محمد درویش از سردار - یعنی ساکن شام و نیکوکار  
و برده ای از نواده های شاه نعمت الله دلی و از سردار حسینی

①

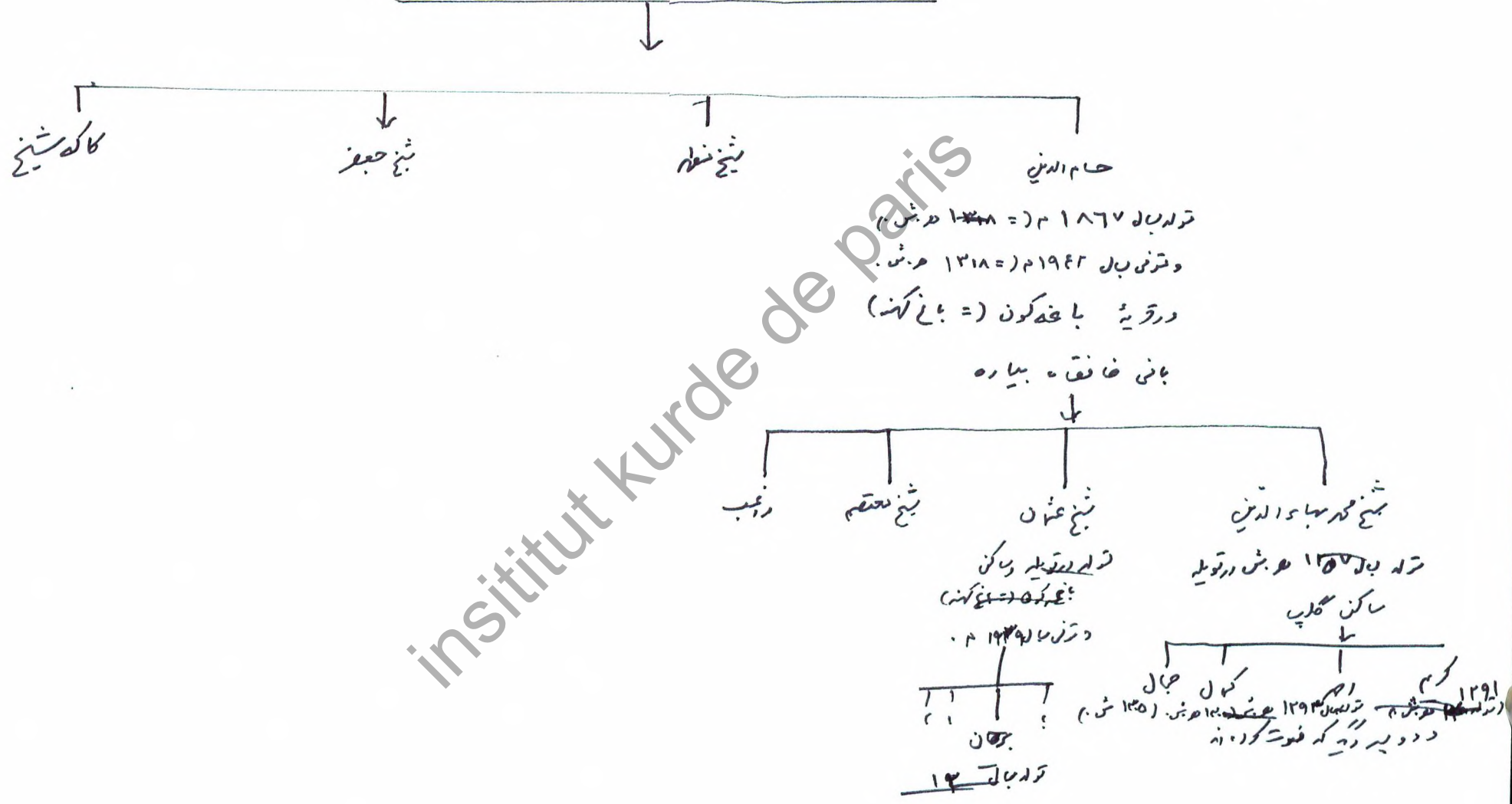
شیخ محمد ۵ ساله (تولد بان ۱۱۹۲ در قره قویله)



insitut kurde de paris



محمد عباس الدین زیند شیخ عثمان الدین



هنوز مَبْرَةٌ "مُردہ خای" چون اَثرٌ<sup>(۱۷)</sup>  
 به "هَلْمَتَانْدَه"<sup>(۱۸)</sup> زِ آثار نیک بُنیاست

هنوز مَجْمَعِ صَاحِبِ لَانِ قَرْمِیْنِ<sup>(۱۸)</sup>  
 درونِ صَفْدَه شَبْدِیْزِ وَهْمِ اِیْوَانِت

□□

هنوز بویِ خوشِ بویِ مولیان آید  
 هنوز دل به تپشِ فراقِ یارانست

هنوز بر "سِرِ قَاطِی" خَرْنَد "بُجُودِ پَرُو"<sup>(۱۹)</sup>  
 هنوز گریِ بازارِ "چالِ سَنجَاهِ"<sup>(۲۰)</sup>

هنوز بانگِ اذان از مناره ها خیزد  
 هنوز ساعتِ مسجد<sup>(۲۱)</sup> تپان و کوبانست

هنوز بر "سِرِ پِل" نعره های مستانه در<sup>(۱۳)</sup>  
 هنوز در "قره سو"<sup>(۱۴)</sup> وعده گاهِ رندانست

